



ویردنامه  
آغاز هفتاد و حدت





از این رو، می بینیم که ائمه ی معصومین علیهم السلام با توجه به دو نکته مذکور بیشترین سعی و اهتمامشان در حفظ وحدت، مصروف می گشت و الگوی بسیار خوبی برای حق جویان شدند. در این جا بعضی از نمونه های حفظ وحدت در سیره ائمه علیهم السلام را بازگو می کنیم تا همگان بتوانیم در راه احیای هر چه بیشتر احکام اسلام، متحد شده و از یکدیگر برای خوار ساختن دشمنان، بهره بگیریم.

### رسول خدا صلی الله علیه و آله بنیانگذار وحدت

رسول گرامی اسلام با آمدن به مدینه و پایه گذاری حکومت اسلامی از نخستین کارهایی که بدان اقدام کرد، تحکیم پایه های وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی بود و بدین منظور، میان مهاجران - که از مکه و خارج مدینه آمده بودند - و انصار - که اهل مدینه بودند - پیوند برادری بست و قرآن مجید با جمله ی «انما المؤمنون اخوه» (۲) آن را پایدار ساخت. با چنین کاری، ساختار جامعه اسلامی بر اساس ایمان و اخوت محکم شد. زمینه تشمت و پراکندگی، قوم گرایی و برتری طلبی قبیله ای و نژادی و دیگر عوامل تفرقه انگیز، رخت بر بست.

سیره و زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله گواهی می دهد که در طول حیات خویش با جدیت تمام بر حفظ وحدت جامعه، پای می فشرد و با اتخاذ برنامه های اصولی و فراگیر، هرگز اجازه نمی داد که عامل ثبات و قدرت جامعه دچار تزلزل گردد. بطور مثال پس از مراجعت از غزوه ی «بنی المصطلق» نیروهای اسلام، کنار چاه آبی به استراحت پرداختند. در آن میان عمر که از مهاجران بود، غلام خود به نام «جهجه» را فرستاد تا از چاه آب بیاورد. او هنگام کشیدن آب با یکی از انصار به نام سنان به نزاع پرداختند. یکی مهاجران را، و دیگری انصار را به یاری طلبید. پس از ازدحام جمعیت، عبدالله بن ابی، رئیس منافقان، از موقعیت سوء استفاده کرد و با سخنان تحریک کننده ای به سمپاشی و تفرقه افکنی میان مهاجران و انصار پرداخت.

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از این جریان اطلاع پیدا کرد، فوری دستور حرکت داد و آن روز و شب و قسمتی از فردا را به راه ادامه داد، بطوری که هنگام توقف، همه نیروها بدون درنگ از فرط خستگی به خواب رفتند، رسول خدا صلی الله علیه و آله بعمد، چنین کرد تا مردم فرصت پیدا نکنند که به این مسأله ی وحدت شکن بپردازند. با رسیدن به مدینه، سوره ی منافقین نازل شد و به قضایا خاتمه داد. (۳)

### امام علی علیه السلام اسوه وحدت

بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله سعی و تلاش حضرت علی علیه السلام در حفظ وحدت جامعه اسلامی و تداوم آن، بی سابقه و بی نظیر بوده و کسی در این راه از او استوارتر و پیشقدم تر نبوده است. هدف اساسی امام علیه السلام در تعقیب این مهم، حفظ اساس اسلام و جلوگیری از تحریف و فراموشی آن در بین امت اسلامی و دنیای شرک آلود و پرغوغای آن روز بود.

### استراتژی حفظ وحدت در سیره معصومین علیهم السلام

سیره رسول اکرم صلی الله علیه و آله گواهی می دهد که در طول حیات خویش با جدیت تمام بر حفظ وحدت جامعه، پای می فشرد؛ بعد از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سعی و تلاش حضرت علی علیه السلام در حفظ وحدت جامعه اسلامی و تداوم آن، بی سابقه و بی نظیر بوده و کسی در این راه از ایشان استوارتر نبوده است.

### وحدت

خدای بزرگ، جهان آفرینش را بر اساس نظم و هماهنگی کامل، خلق کرده و انسان هم در این عالم هستی باید از هماهنگی موجودات دیگر بهره گرفته، زندگی خویش را بر مبنای آن پی ریزی کند، تا به کمال، دست یافته و به مقام والای خلیفه الهی برسد.

همه پیامبران در طول تاریخ، انسانها را به وحدت در عقیده و عمل، دعوت می کردند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با ایجاد وحدت بین طوایف و قبائل مختلف مسلمان، بگونه ای انسجام و هماهنگی به وجود آورد که جنگهای صد ساله ی قبیله های «اوس» و «خزرج» در سایه ی اسلام به محبت و مودت مبدل گشت.

قرآن همه مسلمانان را دعوت به «وحدت» و تمسک به «حبل الله» می کند و می فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا...» (۱) و همگی به ریسمان خدا (قرآن، پیامبر و اهل بیت) چنگ زنید و پراکنده نشوید.

پایه های این اعتصام و محورهای وحدت در بین همه مسلمانان وجود دارد، چه اینکه همه مسلمانان «الله» را پرستش می کنند و حضرت «محمد» صلی الله علیه و آله پیامبر، قرآن، کتاب و کعبه، قبله ی آنان است گرچه با حفظ این چهار پایه می توانند به وحدت رسیده و اختلاف های دیگر را منشأ تفرقه نسازند، ولی عده ای آگاهانه یا ناآگاهانه بعضی مسائل دیگر را به رخ کشیده و سعی در تفرقه بین مذاهب مختلف اسلامی داشته و دارند.

### دو تذکر مهم

۱- دعوت به وحدت به معنای دست کشیدن از اعتقادات هر مذهب و تبدیل همه آنها به یک عقیده نیست. گرچه ما معتقدیم که مذهب تشیع بر حق و برتر از سایر مذاهب و همان اسلام ناب محمدی است و در این راه ذره ای کوتاه نخواهیم آمد، ولی با این وصف و با حفظ همه اعتقادات مشترک و اختصاصی، وحدت تمام مذاهب اسلامی و مسلمانان سراسر جهان را، توصیه کرده، و خود پیشقراول آن خواهیم بود، تا در نتیجه وحدت جهان اسلام، بتوانیم با شرک و کفر جهانی مقابله کنیم.

۲- دعوت به وحدت، مانع از ابراز عقاید خاص مذهبی نمی گردد، چنان که از مباحثات علمی و تحقیقات ارزنده ی تاریخی نیز جلوگیری نمی کند. پس دانشمندان مذاهب مختلف اسلامی می توانند در کمال متانت و بزرگواری، در کنار یکدیگر به تحقیقات علمی و گفتگوهای استدلالی بپردازند و آرا و عقاید خود را اظهار کنند.





## ویردنامه آغاز هفت وحدت



بلکه امام علیه السلام با وجود بحثها و احتجاج و انتقاد در مواقع مناسب و حساس، در عین حال برای حفظ اساس اسلام در کارهای دینی و سیاسی - اجتماعی به خلفا کمک می کرد تا وجود اسلام به مخاطره نیفتاده، به نیستی کشانده نشود.

اینک گوشه ای از رفتار امام علی علیه السلام با خلفای سه گانه را مورد ملاحظه قرار می دهیم:

### الف- با خلیفه اول

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و پیش آمدن جریان «سقیفه» و انتخاب ابوبکر به عنوان خلیفه مسلمانان، عباس (عموی پیامبر صلی الله علیه و آله)، ابوسفیان و گروهی از بنی هاشم نزد امام علیه السلام آمدند و از او خواستند که با او به عنوان خلافت بیعت کنند. امام علیه السلام از برخورد فتنه برانگیز و وحدت شکن دوری جست، چه اینکه روح بزرگ آن حضرت بالاتر از این بود که اسیر فرقه سازی و گروه گرایی، جنگ و تفرقه شود. بدین جهت، امام علیه السلام در جواب آنان فرمود: «ایها الناس! شقوا أمواج الفتن بسفن النجاه، و عرجوا عن طریق المنافره...» (۸)

ای مردم! امواج کوه پیکر فتنه ها را با کشتیهای نجات درهم شکنید، از راه اختلاف و پراکندگی کنار آیید، تاج تفاخر و برتری جویی از سر بنهید، (دو کس راه صحیح را پیمود) آن کس که با داشتن یار و یاور و نیروی کافی بپاخاست و پیروز شد و آن کس که با نداشتن نیروی کافی کناره گیری کرد و مردم را راحت ساخت. زمامداری بر مردم همچون آبی متعفن و یا همانند لقمه ای است که گلوگیر می شود، آنانکه میوه را پیش از رسیدن چینند، به کسی مانند که بذرا در غیر زمینش پاشند.

بعد از این جریان، امام علیه السلام مدت کوتاهی از بیعت با ابوبکر خودداری فرمود ولی سرانجام بانظر بلندی که داشت با وی بیعت کرد، چنان که حضرت در نامه ی خود فرموده است: «... چون پیغمبر از دنیا رفت بعد از وی مسلمانان در کار زمامداری با یکدیگر به کشمکش پرداختند. به خدا سوگند در دلم نمی گذشت و به ذهنم خطور نمی کرد که عرب، امر حکومت را از من بگرداند، و مرا به شگفت نیورد، مگر روی آوردن و شتافتن مردم به سوی ابوبکر. از این رو از بیعت با او خودداری کردم و دیدم که من از دیگران به مقام محمد صلی الله علیه و آله در میان مردم، سزاوارترم، از این رو، تا مدتی که خواست خدا بود درنگ نمودم تا اینکه دیدم گروهی از مردم، مرتد شده، از اسلام برمی گردند، و (مردم را) به نابودی دین محمد صلی الله علیه و آله و آیین ابراهیم علیه السلام دعوت می کنند. ترسیدم که اگر به یاری اسلام و مسلمانان نشتابم، شکاف و ویرانی بزرگی در اسلام، مشاهده خواهم کرد که مصیبت آن بزرگتر از فوت ولایت و سرپرستی کار شما باشد، که کالای چند روز اندک است و سپس مانند سراب، محو می گردد، در آن هنگام با ابوبکر بیعت کردم و به همراه او در آن حوادث، قیام کردم تا باطل از میان رفت، «و گفتار خدا والاتر است هر چند بر خلاف میل کافران باشد». پس با ابوبکر از راه خیرخواهی، همراهی کردم و در آنچه خدا را فرمان می برد با کوشش تمام، او را اطاعت نمودم.» (۹)

مرحوم کاشف الغطا به دنبال این نامه می نویسد: «و هو أشرف ما

دشمنان اسلام - اعم از بت پرستان، مشرکان، یهود و نصارا - غروب اسلام را در غروب عمر شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می دیدند و به انتظار آن نشسته بودند. در چنین موقعیت حساسی، اگر ابیهت و عظمت اسلام و مسلمانان با تفرقه و تشتت از دست می رفت، به یقین می توان گفت اثری از اسلام و قرآن برای نسلهای بعدی باقی نمی ماند. امام علی علیه السلام در ارتباط با حفظ وحدت امت اسلامی می فرماید: «و لیس رجل - فاعلم - أحرص علی جماعه أمه محمد صلی الله علیه و آله و ألفتها منی» (۴)

و بدان! که هیچ کس نیست که نسبت به انتظام امر امت محمد صلی الله علیه و آله و الفت و دوستی بین ایشان از من حریصتر باشد.

وقتی که از آن حضرت سؤال شد که: چگونه مردم، شما را از مقامی که از دیگران سزاوارتر بودید برکنار نمودند؟ فرمود: «فاعلم أما الاستبداد علینا بهذا المقام - ونحن الأعلون نسبا، والأشدون برسول الله صلی الله علیه و آله نوطا - فانها كانت أثره شحت علیها نفوس قوم، و سخت عنها نفوس اخرین، و الحکم الله والمعود الیه یوم القیامه. (ودع عنک صیح حجاته) (۵) و هلم الخطب فی ابن ابی سفیان» (۶)

بدان! اما تسلط (خلفا) در برابر ما نسبت به مقام خلافت با اینکه ما از نظر نسب بالاتر و از جهت ارتباط با پیغمبر صلی الله علیه و آله پیوندمان محکم تر می باشد، بدین جهت بود که خلافت، مرغوب و برگزیده بود، (پس عده ای بر این مقام، بخل ورزیده و با نداشتن شایستگی، آن را تصاحب نمودند) و گروهی دیگر (برای حفظ اساس اسلام) با سخاوت از آن صرف نظر کردند، حاکم و داور خداوند است و بازگشت در قیامت بسوی اوست (از غارتی که بانگ آن در گوشه و کنار برخاست گفتگو به میان نیار) و داستان پسر ابوسفیان را به یاد آور.

پس امام علی علیه السلام با نگرش خاصی که نسبت به حفظ وحدت دارد، مردم را از درگیری و اختلاف، جنجال، افترا و تهمت و کینه، دشمنی بر حذر می دارد تا همه با هم با دشمن مشترکشان مبارزه کنند.

امام علیه السلام با فریاد رسایش همه مسلمانان را فرا می خواند که: «خیر الناس فی حالا النمط الأوسط فالزموه، و الزموا السواد العظم، فان ید الله علی الجماعه، و ایاکم و الفرقة فان الشاذ من الناس للشیطان، كما أن الشاذ من الغنم للذئب» (۷)

بهترین مردم نسبت به من گروه متعادل و میانه رو (بین افراط و تفریط) است شما همراه آنها و همراه بزرگترین جمعیتها (اکثریت های طرفدار حق) باشید که دست خدا بالای جمعیت است. از پراکندگی پرهیزید که «انسان تنها» بهره ی شیطان است چنان که گوسفند تکرو طعمه ی گرگ!

### حمایت از خلفا برای حفظ اساس اسلام

شیعه با استدلال به آیات قرآن و احادیث صحیح و مسلمی که از پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شده، معتقد است که امام علی علیه السلام خلیفه بلا فصل پیامبر صلی الله علیه و آله است. و خط امامت و رهبری مسلمانان بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله علیرغم فرموده آن حضرت به انحراف کشیده شده؛ ولی کنار زدن امام علی علیه السلام از مقام خلافت و امامت ظاهری نه تنها مایه شقاق و درگیری و خونریزی مسلمانان از طرف آن حضرت نگردید،





نفری به وسیله ی عبدالرحمان بن عوف، امام علی علیه السلام همچنان در محور وحدت و اسوه حسنه بودن تجلی می کند. و با اینکه می داند در این شورا به عدالت، رأی داده نشده و تباری شده، ولی باز هم برای بقای اسلام و جلوگیری از فروپاشی جامعه اسلامی به حفظ وحدت پرداخت و به هنگام بیعت مردم با عثمان فرمود: «لقد علمتم أنى أحق بها من غيرى، و والله لأسلمن ما سلمت أمور المسلمين، و لم يكن فيها جور الا على خاصه» (۱۶)

خوب می دانید که من از همه کس به خلافت شایسته ترم، به خدا سوگند تا هنگامی که اوضاع مسلمانان روبه راه باشد و درهم نریزد، و به غیر از من به دیگری ستم نشود، همچنان خاموش خواهم ماند. در زمان خلافت عثمان، مردم از صفات برجسته و اخلاق کریمه ی امام علی علیه السلام بهره می جستند. مظلومان و ستمدیدگان پیش وی شکایت می بردند و خواستار حل مشکلاتشان می شدند. شیفتگان حق و عدالت در دیدار با آن حضرت به سرچشمه ی اسلام ناب می رسیدند.

امام علیه السلام نیز شکایتهای مردم را به خلیفه گوشزد می کرد و او را وادار به اجرای عدالت نموده، راهنمایی لازم را در اداره ی امور حکومت ارائه می فرمود. (۱۷)

امام علیه السلام بارها از عثمان در بعضی امور حمایت کرد، به عنوان نمونه: وقتی که عثمان (به خاطر زیاده روی و تبعیض در تقسیم بیت المال و ظلم) در محاصره ی مردم بود و از ترس کشته شدن جرأت بیرون آمدن از خانه اش را نداشت، نامه ای برای امام علی علیه السلام فرستاد و از وی خواست که از مدینه خارج شود - تا مبادا مردم دور امام علیه السلام را بگیرند و خلافت را به وی بسپارند - امام علیه السلام هم قبول کرد و از مدینه خارج شد، سپس با درخواست خلیفه، بعد از مدتی به مدینه بازگشت، عثمان برای بار دیگر از وی درخواست خروج از مدینه را نمود، امام علیه السلام در جواب نامه ی وی، به عبدالله بن عباس (حامل نامه) فرمود: «و الله لقد دفعت عنه حتى خشيت أن أكون اثما» (۱۸) به خدا سوگند، من آنقدر از او (عثمان) دفاع کردم که ترسیدم گنهگار باشم.

امام علیه السلام با چنین موضع گیری در برابر آشوبهای موجود جامعه آن روز، با شورش کنندگان، همدست نشد و از فرصت به دست آمده برای مصالح شخصی خویش استفاده نکرد، بلکه درصدد برآمد که این فتنه را فرو نشاند و جامعه اسلامی، درگیر اختلاف و تفرقه نشود.

### شرکت در اجتماعات اهل تسنن

ائمه علیهم السلام در اجتماعاتی زندگی می کردند که حکومت و اکثریت مردم جامعه اهل تسنن تشکیل می دادند. از این رو، رفت و آمدهای اجتماعی، مبادله ی کالا، خرید و فروش، کارکردن، تعاون و همکاری، تعلیم و تعلم و... در بین آنان رواج داشته است.

نیاز به زندگی اجتماعی این ضرورت را به وجود می آورد تا همه در کنار یکدیگر، نیازها را برآورده کنند و از مشکلات زندگی بکاهند. ائمه ی علیهم السلام نیز مردم را به شرکت در اجتماعات عامه، تشویق و ترغیب می فرمودند. چنان که هشام کندی نقل می کند

یعمله انسان» (۱۰)

و این والاترین عملی است که انسانی انجام دهد.

علی علیه السلام که تنها هدفش حفظ مکتب و وحدت بود و بالاتر از آن بود که به خاطر مقامات ناچیز دنیوی کینه ی کسی را به دل گیرد، با حفظ دیدگاه و عقیده خود، همین که با خلفا بیعت کرد، در پنهان و آشکار با آنان صمیمانه رفتار کرد و علیه آنان حیل و دسیسه ای، که معمول سیاستمداران طاغوتی است، به کار نبرد. و در این راه (برای حفظ و بقای اسلام) صبر کرد، چنان که در خطبه ی «شقشقیه» می فرماید: «فرأيت أن الصبر على هاتا أحجى، فصبرت و فى العین قذی، و فى الحلق شجا، أرى ترائی نهبا» (۱۱)

عاقبت دیدم صبر و بردباری به عقل نزدیکتر است. از این رو صبر کردم در حالی که گویی خاشاک در چشمم و استخوان راه گلویم را گرفته بود، می دیدم که میراثم به تاراج رفته است.

در نتیجه این صبر انقلابی بود که میان مسلمانان، وحدت و آرامش برقرار گشت، و مسلمانان به جای جنگ و اختلافات داخلی به صدور انقلاب جهانی خود پرداختند که در مدت بسیار کوتاهی، مملکت پهناور روم، ایران و مصر به اسلام گرویده و عراق را تصرف کردند. و اگر حضرت علی علیه السلام وحدت و آرامش را حفظ نمی کرد، محال بود که این همه فتوحات در این مدت بسیار کوتاه نصیب مسلمانان گردد. (۱۲)

### ب- با خلیفه دوم

خلیفه اول در پایان خلافتش بدون مشورت با اصحاب پیامبر و بر خلاف میل برخی از آنها، هنگام مرگ، ولایت و حکومت را به عمر سپرد.

امام علی علیه السلام، موضع گیری متعادل خویش را ادامه داد و همچنان برای حفظ وحدت، کوشش نموده، از حقیقت - بطور موقت - صرف نظر کرده، بیعت نمود. چنانکه از امام علیه السلام نقل شده که فرمود: «... فلما احتضر بعث الی عمر فولاه فسمعنا و أطعنا و ناصحنا» (۱۳) چون (ابوبکر) به حال احتضار درآمد، ولایت و حکومت را به عمر سپرد و ما بیعت کردیم و اطاعت نموده، خیرخواهی را نشان دادیم...

در این راستا، می بینیم که امام علیه السلام در مشورتها و جواب به پرسشهای دینی، سیاسی و قضایی، خلیفه دوم را هدایت می فرمود؛ چنان که در جریان جنگ با ایران، امام علیه السلام خلیفه دوم را از حضور مستقیم در جبهه ی جنگ منع نمود و او را با توجه دادن به یاری و کمک الهی، دلداری داد تا از کمی تعداد مسلمانان و زیادی جمعیت دشمنان نهراسد و احساس ضعف نکند. (۱۴) خلیفه دوم نیز نظر امام علیه السلام را صائب دیده، ستاد فرماندهی را با حضور بزرگان صحابه در مدینه مستقر ساخت و نتیجه جنگ ثابت کرد که پیشنهاد و نظر امام علی علیه السلام نقش مؤثری در پیروزی و غلبه مسلمانان داشته است.

شبهه همین جریان در مورد جنگ با روم شرقی به اجرا درآمد. (۱۵)

### ج - با خلیفه سوم

بعد از کشته شدن خلیفه دوم و تعیین و انتخاب عثمان در شورای شش





جماعت آنان واجب می شود. فتوای امام خمینی رحمته الله علیه در این رابطه چنین است: «خارج شدن از مسجد الحرام یا مسجد مدینه در وقتی که جماعت اهل سنت منعقد شد، اگر خلاف تقیه باشد جایز نیست، و بر شیعیان واجب است در این صورت از جماعت آنها تخلف نکنند و با آنها به جماعت نماز بخوانند.» (۲۵)

### اصحاب ائمه از سایر مذاهب

معاشرت ائمه علیهم السلام با پیروان مذاهب مختلف، نمونه‌ی خوبی در وحدت عملی آنان به حساب می آید. در این قسمت به ذکر عده‌ای از اصحاب ائمه علیهم السلام که از فرقه‌های گوناگون بوده‌اند می پردازیم، (۲۶) تا معلوم گردد که اختلاف مذاهب نباید سبب تفرقه و جدایی و درگیری شود.

در دوران حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام به واسطه‌ی آرامش مدینه و توجه مردم به علوم نوپای اسلامی، بخصوص نهضتی که در احیای حدیث و هماهنگ نمودن فقه به وجود آمده بود، حوزه‌های درس و بحث در «مدینه» و دیگر شهرهای بلاد اسلامی برقرار گردید که از آن جمله، محضر پربار درس این دو امام بزرگوار بود. نجاشی از «حسن بن علی و شام کوفی» که خود از راویان موثق و برجسته‌ی شیعه است، نقل می کند که می گفت:

«من در این مسجد (مسجد کوفه) نهصد نفر را مشاهده کردم که هر یک می گفت: جعفر بن محمد علیه السلام برایم حدیث کرد.» (۲۷) با توجه به اینکه، کوفه مرکز فقه «ابن ابی یعلی» و «ابن شبرمه» و «سفیان ثوری» و «ابوحنیفه» بوده است. (۲۸)

بدین جهت باید برخی از راویان و مشایخ حدیثی که در آن عصر در مسجد کوفه حلقه‌ی درس داشته‌اند، از اهل سنت باشند، بنا بر این، به این نتیجه می رسیم که امام صادق علیه السلام چنان سلوکی با مخالفان خویش داشته است که آنان برای کسب فیض از محضرش از کوفه به مدینه می شتافتند و بعد از فراگیری، وقتی که برمسند فتوا، یا بیان حدیث تکیه می زدند از آن حضرت نقل حدیث می‌کرده، بر این عمل مباهات می نمودند.

اینک، برای نمونه، نام چند تن از اصحاب معروف امام صادق علیه السلام را که یا از اهل سنت و یا زیدی مسلک و یا جزء فرقه‌های شیعه غیر امامی بوده‌اند، ذکر می کنیم:

۱- سکونی (اسماعیل بن زیاد یا ابی زیاد)، که از ثقات اصحاب آن حضرت (۲۹) و صاحب کتاب «کبیر» و کتاب «نوادر» است. (۳۰) وی از رجال علمی اهل سنت می باشد. (۳۱)

۲- عبدالملک بن هارون شیبانی کوفی، که از چهره‌های بارز و مورد اطمینان حدیث است. وی از راویان شیعه نقل حدیث می کرده و آنان نیز از او سماع حدیث کرده‌اند، با این حال شیعه نبوده است. (۳۲)

۳- فضیل بن عیاض بصری، که اهل خراسان بوده است و از اصحاب موثق حضرت صادق علیه السلام بوده و با این حال سنی مذهب بوده است. (۳۳)

۴- ابوالبختری (وهب بن وهب بن عبدالله)، که سنی مذهب بوده و منصب قضاوت داشته و یا هارون الرشید همنشینی و معاشرت

از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «... صلوا فی عشائره‌م و عودوا مرضاهم و أشهدوا جنازه‌م ولا یسبقونکم الی شیء من الخیر فأنتم أولی به منهم...» (۱۹)

در میان قبایل و اجتماع آنان نماز بخوانید (به نماز جماعت عامه حاضر شوید) و از بیمارانشان عیادت کنید و بر جنازه‌ی آنها حاضر شوید، مبادا آنها در خیری از شما پیشی گیرند که شما نسبت (به انجام خیر) از آنان سزاوارترید. «

### اینک نمونه‌هایی از حضور در اجتماعات اهل سنت

الف- نماز جماعت

تشویق ائمه علیهم السلام به حضور در نماز جماعت عامه، نمونه‌ی بسیار عالی برای حفظ وحدت محسوب می شود. حدیثی از ابی علی نقل شده که گفت: «به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: امام جماعتی داریم که مخالف ماست و با همه اصحاب ما (شیعیان) دشمنی می کند! امام علیه السلام فرمود: «ما علیک من قوله، و الله لئن کنت صادقاً لانت أحق بالمسجد منه، فکن أول داخل و اخر خارج و أحسن خلقک مع الناس و قل خیرا» (۲۰)

تو به حرف او چه کار داری؟ سوگند به خدا، اگر راست بگویی تو از او به آن مسجد سزاوارتری، پس (بکوش) نخستین کسی باشی که در آن مسجد داخل می شود و آخرین فردی باشی که از مسجد خارج می گردد و با مردم خوشخوی باش و سخن نیکو بگو. «

در بعضی از روایات آمده است که بعضی از ائمه معصومین علیهم السلام در نماز جماعت اهل تسنن حاضر می شدند و با آنان نماز می خواندند. در روایتی نقل شده که: «صلی علی علیه السلام وراهم» (۲۱) امام علی علیه السلام پشت سر خلفا نماز خوانده است.

علی بن جعفر در کتاب خود از برادرش، حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام، نقل کرده که آن حضرت فرمود: «صلی حسن و حسین خلف مروان و نحن نصلی معهم» (۲۲) امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام پشت سر مروان، نماز خواندند و ما هم با ایشان (اهل سنت) نماز می خوانیم.

ب- شرکت در نماز جمعه

یکی دیگر از کارهایی که باعث وحدت مسلمانان می گردد، حضور همگانی در مراسم دشمن شکن و تفرقه برانداز نماز جمعه است. ائمه علیهم السلام در این امر مهم، اهتمام خاصی ورزیدند؛ چنان که نقل شده: «حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از روز پنجشنبه خود را مهیای (نماز) جمعه می کرد.» (۲۳)

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «انکم تتسابقون الی الجنه علی قدر سبقکم الی الجمعة» (۲۴) شتاب و سرعت شما در رسیدن به بهشت به اندازه‌ی شتابتان، در رفتن به نماز جمعه است.

### تذکر

از نظر شیعه اقتدا به امام جماعت اهل سنت در مواردی که نماز جماعت از طرف آنان تشکیل می شود، اشکالی ندارد و نماز صحیح است، حتی اگر اقتدا نکردن، خلاف تقیه باشد شرکت در نماز







## ویرودنامه آغاز هفت وحدت



- می نموده است. وی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام می باشد. (۳۴)
- ۵- سلیمان بن خالد، که از قراء و فقها و رجال نامی بوده و افتخار شاگردی حضرت باقر علیه السلام را داشته است وی زیدی مذهب بوده، و همراه زید قیام کرد و دستش قطع شد. (۳۵)
- ۶- علی بن حسن بن فضال، که از فقهای کوفه بوده است. مرحوم مامقانی در معرفی وی می گوید: «وی فقیه اصحاب ما، در کوفه و از افراد خوش نام، مورد اعتماد و خبره ی حدیث بوده، بطوری که قولش را در حدیث می پذیرفتند.» (۳۶)
- با این همه، وی فطحی مذهب بوده و افتخار شاگردی حضرت هادی و حضرت عسکری علیه السلام را داشته است. (۳۷)
- ۷- عبدالله نجاشی، که به گفته صاحب منتهی المقال، زیدی مذهب بوده و از طرف منصور عباسی والی اهواز بوده است. (۳۸)
- رفتار نیک ائمه با فقهای عامه**
- یکی از نکات جالب توجه در زندگی ائمه علیهم السلام، معاشرت و نشست و برخاست فقها و رؤسای سایر مذاهب با آن بزرگان است. این معاشرت، حاکی از وحدت موجود بین آنان است که راهگشای بسیاری از مشکلات دینی اجتماعی جامعه آن روز بوده است. به دو نمونه از چنین همنشینی های وحدت آفرین، اشاره می کنیم:
- ۱- از مالک بن انس - فقیه مدینه - (امام مذهب مالکی از اهل سنت) نقل شده که گفت: «من بر جعفر بن محمد صادق علیه السلام وارد می شدم و آن حضرت برای من بالش می نهاد و نسبت به من قدرشناسی می کرد و می گفت: ای مالک! من تو را دوست دارم و من از این سخن شاد می شدم و خدا را سپاس می گزاردم.» (۳۹)
- ۲- «عذا فرصیری» گوید: «با حکم بن عتیبه» که از رؤسای زیدیه (و از فرقه بتربه بود (۴۰) نزد امام باقر علیه السلام بودیم. حضرت نسبت به وی احترام می کرد. او در همین مجلس با آن حضرت در مسأله ای بنای مشاجره گذارد، ولی امام، بدون اینکه نسبت به وی تندی کند، به فرزندش فرمود: برو کتاب علی علیه السلام را بیاور. آن گاه مطلب را از روی کتاب علی علیه السلام، که او نیز به آن اعتراف داشت، به وی نشان داد.» (۴۱)
- آنچه آورده شد نمونه هایی بسیار مختصر از مسأله ی وحدت بین مسلمانان بوده است. از خدای بزرگ درخواست می کنیم که به مسلمانان آگاهی، بصیرت و هوشیاری بیشتری عنایت فرماید تا ضمن تمسک به «حبل الله» در برابر کفر و استکبار جهانی به مبارزه پردازند و اسلام و قرآن را در سراسر جهان حاکم گردانند.
- پی نوشت ها:**
۱. آل عمران، آیه ی ۱۰۳ (با دقت در آیات و روایات در می یابیم که گناهان و کارهای تفرقه انگیز، عذاب سنگین و شدید دارد. و کارهای وحدت آفرین از ثواب زیادی برخوردارند.)
۲. حجرات، آیه ۱۰.
۳. المیزان، ج ۱۹، ص ۲۸۳-۲۸۵.
۴. نهج البلاغه، فیض، ص ۱۰۸۲.
۵. داخل پراتنیک مصرع از شعر امرء القیس است.
۶. نهج البلاغه، فیض، ص ۵۱۷.
۷. همان مدرک، ص ۳۹۲.
۸. نهج البلاغه، فیض، ص ۵۷.
۹. مشعل اتحاد، حکیمی و بی آزار شیرازی، ص ۲۱، به نقل از: مستدرک نهج البلاغه، ص ۱۱۹-۱۲۰، چاپ لبنان.
۱۰. همان مدرک.
۱۱. نهج البلاغه، فیض، ص ۴۶.
۱۲. مشعل اتحاد، ص ۲۳-۲۲.
۱۳. الغارات، ج ۱، ص ۳۰۷.
۱۴. اقتباس از نهج البلاغه، فیض، ص ۴۴۲.
۱۵. همان مدرک، ص ۴۱۵.
۱۶. همان مدرک، ص ۱۷۱.
۱۷. ر. ک. نهج البلاغه، فیض، ص ۵۲۵.
۱۸. نهج البلاغه، فیض، ص ۸۱۹.
۱۹. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۱۱.
۲۰. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۲، بیروت.
۲۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۸۳.
۲۲. همان مدرک.
۲۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۶۹، ش ۱۲۲۶.
۲۴. الشافی، ج ۲، ص ۱۹- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۷۰- فروع کافی، ج ۱، ص ۱۱۵- تهذیب، ج ۱، ص ۲۴۶.
۲۵. مناسک حج، امام خمینی (قده)، ص ۱۶۰.
۲۶. مطالب این قسمت از مقاله «بررسی وحدت در سنت» نوشته ی کاظم مدیر شانه چی اقتباس گردید. ر. ک کتاب وحدت، ص ۱۰۸-۱۱۰.
۲۷. رجال النجاشی، ص ۲۹، مکتبه الداوری.
۲۸. الفقه علی المذاهب الاربعه، مقدمه.
۲۹. رجال النجاشی، ص ۲۰.
۳۰. معجم رجال الحدیث، ج ۳، ص ۱۰۵-۱۰۶ (نظر مشهور در مورد سکونی این است که از اهل سنت بوده، اما برخی را عقیده بر آن است که او شیعه بوده است) (تنقیح المقال، ج ۱، ص ۱۲۹).
۳۱. همان مدرک.
۳۲. جامع الرواه، ج ۱، ص ۵۲۲.
۳۳. همان مدرک، ج ۲، ص ۱۰.
۳۴. رجال النجاشی، ص ۳۰۳.
۳۵. رجال النجاشی، ص ۱۳۰.
۳۶. تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۲، ص ۲۷۸-۲۷۹.
۳۷. همان مدرک.
۳۸. همان مدرک، ص ۲۲۰-۲۲۱.
۳۹. الانوار البهیة فی تواریخ الحجج الالهیه، شیخ عباس قمی، ص ۷۵. مشهد.
۴۰. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۵۸.
۴۱. علم الحدیث، ص ۶۷.
- منبع: کتاب سیره معصومین علیهم السلام





قرآن میفرماید: «محمّد رسول الله و الذّین معه اشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم»...  
رحماء بینهم، یعنی در بین خودشان که هستند دیگر خاکریز نرم است، انعطاف وجود دارد  
اینجا دیگر آن شدت و آن صلابت نیست. اینجا باید دل داد و دل گرفت. اینجا باید با هم با تعاطف رفتار کرد.